

■ **وقتی خودروساز یا مصرف‌کننده باورش بر این باشد که اگر امروز قیمت سوخت افزایش می‌یابد ولی قرار است در ۵-۴ سال آینده مرتب ارزان شود، هیچ انگیزه‌ای برای استفاده از تکنولوژی‌های جدیدتر در ساخت خودرو، مصرف سوخت و تغییر رفتار مصرفی‌اش نخواهد داشت، چون باورش این است چند سال دیگر مجدداً بنزین به صورت نسبی ارزان خواهد شد**

بازخوانی یک اظهارنظر اسحاق جهانگیری در مناظره‌های انتخاباتی سال ۹۶ دولت روحانی مرتکب همان نقدهایی شده که جهانگیری علیه رقبامطرح می‌کرد

یادمان هست

۱۵۰ هزار تومان هم نیست. با وجود تقبیح افزایش قیمت سوخت، بنزین گران شده است. آن هم با افزایش ۲۰۰ درصدی که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. موضوع دیگر برداشت از بانک مرکزی است. دولت در این چند سال از این کار هم ایایی نداشته و آن را هم انجام داده است. در حال حاضر به زعم اکثر کارشناسان، منابع اولین بسته معیشتی واریز شده به حساب مردم از محل استقراض از بانک مرکزی فراهم شده‌است. این یعنی دقیقاً چرخش ۱۸۰ درجه‌ای آقای معاون اول که برای اولین بسته معیشتی هم همان کار ناگواری را که در مناظرات نسبت به آن هشدار داده بود انجام داده است. براساس گزارش بانک مرکزی از آمارهای پولی و بانکی کشور در پایان ۳ ماهه نخست سال جاری، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در خرداد امسال نسبت به خرداد سال گذشته بیش از ۶۴ در صد افزایش پیدا کرده است.

بخش دولتی در خردادماه سال گذشته بیش از ۶۱ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک مرکزی داشته که رقم این بدهی در خردادماه سال جاری به ۱۰۱ هزار میلیارد تومان رسیده است. رقم بدهی دولت به بانک مرکزی در اسفندماه سال گذشته نیز ۹۵ هزار میلیارد تومان بود که نشان می‌دهد این بدهی در سال جاری نسبت به اسفند سال گذشته ۵/۴ درصد رشد داشته است. همچنین

محمد نجار صادقی
روزنامه‌نگار اقتصادی

بامداد ۲۴ آبان‌ماه دولت دست به اقدامی زد که با گذشت نزدیک به ۱۰ روز هنوز تبعات آن در سطح کشور هویداست؛ گرانی یک‌شبه بنزین و سهمیه‌بندی آن که به‌زعم اکثر کارشناسان اقدام درستی نبود و در راستای جراحی اقتصادی صورت نگرفته است. به گزارش «وطن‌امروز» شاهد این موضوع که این اقدام به صورت کلی جراحی نبوده را می‌توان در اظهارات انتخاباتی اسحاق جهانگیری در مناظره‌ها دید؛ زمانی که وی در برابر پیشنه‌هاد یکی دیگر از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری درباره یارانه ۱۵۰ هزار تومانی برافروخته شده و به محل تأمین منابع آن حمله‌ور می‌شود و می‌گوید: «با حامل‌های انرژی را می‌خواهید گران کنید یا باید هزینه‌های دولت را کاهش دهید. یا باید دست در بول‌های بانک مرکزی کنید. جهانگیری ادامه می‌دهد: در هر حالتی هر روشی اجرا شود ۱۵۰ هزار تومان برمی‌دارند و یک میلیون تومان می‌رود در جیب دولت؛ اقتصاد این کشور و طبقه محروم را نابود می‌کنند. ما راهکارهای عاقلانه- عالمانه در این ۴ سال پیش‌بینی کرده‌ایم.» جالب اینجاست که حالا هر سه این اتفاقات رخ داده و خبری از

مرگ مغزی دکتر قبل از جراحی

جدا از نحوه اجرای پرعیب و نقص طرح سهمیه‌بندی بنزین که می‌شود روزها درباره آن سخن گفت، در حال حاضر دولتی‌ها تلاش بسیاری دارند که این طرح را با استفاده از واژگانی مانند «جراحی اقتصادی» یا اقدامی در راستای «عدالت اجتماعی» زیبا جلوه دهند. ادبیاتی پوپولیستی مانند اظهارات اسحاق جهانگیری درباره یارانه ۱۵۰ هزار تومانی در شب انتخابات. تلاشی از سوی دولت وجود دارد که به مردم القا کنند این اقدام به نوعی اصلاح توزیع یارانه پنهان انرژی است. علی‌ریبعی در قامت سخنگوی دولت می‌گوید گرانی بنزین در راستای اجرای عدالت اجتماعی است و دولت می‌خواهد دهک‌های پایین جامعه را حمایت کند. رسانه‌های همسو با دولت هم از تعبیر زیبای جراحی اقتصادی استفاده می‌کنند و اعتراضات صورت گرفته را هزینه جراحی می‌نامند. نکته قابل توجه اینجاست که هیچ جراحی اقتصادی‌ای صورت نگرفته، زیرا انتظار اولیه از یک

جراحی یا اصلاح اقتصادی این است که به صورت نسبی نتایج درمائی حاصل شود. در روش فعلی با وجود خونریزی فراوان برای بیمار مورد نظر یعنی اقتصاد ایران، هنوز درمان رخ نداده است. باید توجه داشت که چند سال دیگر برای اصلاح قیمت بنزین دولت وقت مجبور خواهد بود بار دیگر قیمت بنزین را به شکل‌های خلق‌الساعه دیگر افزایش دهد. این یعنی برای سوسمین‌بار باید هزینه تعدیل قیمت بنزین پرداخت شود. نخستین‌بار این هزینه در زمان سهمیه‌بندی بنزین در سال ۸۷ رخ داد و برای دومین‌بار در سال جاری همین موضوع با شدت بیشتری تکرار شد. تمام این مباحث به معنای این است که با این روش هر چند سال یک‌بار باید شاهد اعتراضات مردمی، تعطیلی کشور و اتفاقات ناگوار برای تغییر قیمت بنزین باشیم، البته هزینه اصلی در بعد اقتصادی رخ می‌دهد، زمانی که سرمایه‌گذاران و آحاد مردم به یک ثبات روانی منسجم درباره قیمت‌ها نرسند و هر

روز شاهد شوک‌های تورمی در انبار باروت حجم نقدینگی کشور باشند دیگر مجالی برای هیچ فعالیت اقتصادی وجود ندارد. این رفتار سیاست‌گذار در صورت ادامه‌دار بودن می‌تواند نارضایتی‌های عمومی را تبدیل به یک اپیدمی در ادبیات اقتصادی کشورمان کند که هر چه زودتر باید اصلاح شود. موضوع مهم دیگر این است که اساساً اصلاح قیمت حامل‌های انرژی با اهداف کلان صورت می‌گیرد، این یعنی قیمت بنزین اصلاح می‌شود که در مصرف، تغییر رویه خودروسازان در تولید خودروهای پرمصرف و سیاست‌گذاری مدیران شهری برای تأمین زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی تأثیرگذار باشد؛ این اهداف محقق نمی‌شود مگر با یک روش هدفمند و منسجم و برنامه بلندمدت برای اقتصاد کشور، در غیر این‌صورت اصلاح اقتصادی معنایی ندارد و صرفاً تغییر یک رقم اسمی در اقتصاد است. در حال حاضر هیچ کدام از موارد مفهومی یک اصلاح اقتصادی محقق نشده است.

■ **جراحی واقعی چرا انجام نشد؟**

دولت تدبیر و امید پس از روی کار آمدن، یک روش مناسب برای درمان بیمار خود داشت که حتی دستور قانونی و تأیید نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم برای این امر وجود داشت. زمانی می‌توانیم از یک جراحی صحبت کنیم که روند درمان مشخص باشد. در «قانون هدفمندی یارانه‌ها» به صورت شفاف مسیر درمان رهایی اقتصاد ایران از یارانه پنهان مشخص شده بود و اگر دولت بر مبنای آن عمل می‌کرد می‌توانستیم درباره یک درمان قاعده‌مند و حتی جراحی اقتصادی سخن بگوییم. طبق این قانون باید قیمت تمام حامل‌های انرژی و نه صرفاً بنزین تا پایان سال ۹۴ به صورت پلکانی و معولانه افزایش پیدا می‌کرد. تدبیری‌ها نه‌تنها این قانون را اجرائی نکردند بلکه ابزار انجام این جراحی یعنی کارت سوخت را هم از بین بردند. باید پرسید چرا دولت که طرفدار عدالت در یارانه پنهان است، کارت سوخت را حذف کرد؟

یکشنبه ۳ آذر ۱۳۹۸
وطن‌امروز | شماره ۲۷۹۸

اقتصادی



نیستند و صرفاً شب انتخابات نگران بودند؟ به‌نظر می‌رسد دوره‌دوم هر رئیس‌جمهوری زمان گرفتن تصمیم‌های سخت و عاقلانه است؛ هر چقدر دولت روحانی در دوره قبل با اقتصاد، سیاسی برخورد کرد در این دوره انتظار رفتار عاقلانه از آن می‌رفت اما در این ایام هم دست از رفتار پوپولیستی بر نمی‌دارد و برای اینکه یک بسته معیشتی را به نام خود ثبت کند کشور را در این شرایط بحرانی قرار داده است.

باره اظهار داشت: راهکار در شرایط فعلی این است که هزینه‌های دولت و دستگاه‌های دولتی کاهش یابد و هزینه‌های اضافی از بین برود. البته تمام تلاش دولت بر این است که حقوق به‌موقع پرداخت شود. با وجود اینکه هر اقدامی در راستای کاهش هزینه‌های دولت مثبت است اما باید از آقای جهانگیری سوال شود آیا در این کاهش به دریافتی پرستاران و معلمان لطمه‌ای وارد نمی‌شود؟ آیا ایشان نگران وضعیت گروه خدماتی در این کاهش هزینه‌ها

اضافه بر این دولت در این ۶ سال هیچ‌گاه یارانه ثروتمندان را هم حذف نکرد، اقدامی که مسلماً باید در راستای عدالت صورت می‌گرفت و حتی مورد اهتمام نمایندگان مجلس شورای اسلامی و قانون بودجه چند سال اخیر نیز بوده است. نکته دیگر زیاده‌خواهی شرکت‌های دولتی از منابع طرح هدفمندی یارانه‌ها بود که بیش از ۵۰ درصد درآمدهای طرح را می‌بلعیدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت تنها به دلیل هزینه‌های سیاسی خودداری کرده است. شاید هم دلیل عدم اجرای این قانون لجبازی با دولت سابق و ناکام گذاشتن سیاست‌های آن است می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت نه‌تنها این اقدام جراحی نبوده بلکه مجموع موارد ذکر شده و نیز اشتباه مهلک نحوه اجرای این طرح و بی‌خبری جامعه از آن، این موضوع را به‌صورت استعاره‌ای مطرح می‌کند که دکتر قبل از جراحی، خودش دچار مرگ مغزی شده بود.

فرشاد فاطمی، اقتصاددان در گفت‌وگو با «وطن‌امروز»:

هرچه سریع‌تر به سمت هدفمندی یارانه‌ها برویم

سیاست افزایش قیمت بنزین یک رویکرد ناقص است

دولت باید بگوید به عنوان مثال هدف‌گذاری این است که میانگین مصرف ماهانه بنزین مثلاً روی ۷۰ میلیون لیتر بایستد. بعد اعلام کند قیمت خود را به گونه‌ای می‌گذارم که به آن هدف برسم. این قیمت ممکن است در زمان‌هایی کاهش یا افزایش پیدا کند. یا روش دوم این است ما قیمت بنزین را با قیمت جهانی بنزین متناسب کنیم، چون بنزین یک کالای قابل مبادله است. مشکل اصلی ما این بوده که همواره افزایش ناگهانی در قیمت بنزین داده‌ایم. کمی قیمت‌های نسبی اصلاح می‌شده، چندین سال این را ثابت نگه داشته‌ایم اما دوباره قیمت‌های نسبی به هم می‌خورد. قیمت‌های نسبی بیانگر نایابی منابع است. البته راهکار دیگر که در چند سال اخیر خیلی محل بحث کارشناسان بوده است، راحل اعطای سهمیه به افراد به جای اتومبیل‌ها و اجازه خرید و فروش این سهمیه‌ها در قیمتی است که عرضه و تقاضا تعیین می‌کند.

فاطمی خاطرنشان کرد: وقتی خودروساز یا مصرف‌کننده باورش بر این باشد که اگر امروز قیمت سوخت افزایش می‌یابد ولی قرار است در ۵-۴ سال آینده مرتب ارزان شود، هیچ انگیزه‌ای برای استفاده از تکنولوژی‌های جدیدتر در ساخت خودرو، مصرف سوخت و تغییر رفتار مصرفی‌اش نخواهد داشت، چون باورش این است چند سال دیگر مجدداً بنزین به صورت نسبی ارزان خواهد شد. چیزی که اثر مورد نظر را در رفتار مصرف‌کننده و همچنین دولت به عنوان تأمین‌کننده

حمل‌ونقل عمومی می‌گذارد، این است که قیمت‌های نسبی بیان‌کننده نایابی منابع باشد و در بلندمدت هم چنین باقی بماند. مشکل ما این است هر بار به دلیلی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، مجدد رها می‌شود که دوباره در طول زمان در مقابل تورم سایر کالاها، بنزین به صورت نسبی ارزان شود.

وی تأکید کرد: اگر ما مکانیسمی داشته باشیم که مکانیسم هدف‌گذاری قیمت بنزین را به یکی از ۲ موردی که اشاره شد وصل کند، در آن صورت قیمت بنزین منعکس‌کننده نایابی آن می‌شود و بر رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده که از تکنولوژی‌های انرژی‌بر استفاده می‌کند، تأثیر می‌گذارد. نکته این است ما این اقدام اشتباه را برای چندمین‌بار در چند دهه گذشته تکرار کردیم که در فضای تورمی می‌خواهیم قیمت را بالا ببریم و دوباره روی رقم اسمی، آن را ثابت نگه داریم. این در حالی است که همواره به توصیه اقتصاددان‌ها بی‌توجهی شده است. این اقتصاددان ادامه داد: من نمی‌گویم افزایش قیمت فعلی خوب است یا بد. حرف من این است که قیمت قبلی قابل تداوم نبود. اما الان که مجبور بودیم قیمت را اصلاح کنیم، چقدر خوب بود سازوکار قیمت‌گذاری را اصلاح می‌کردیم، نه اینکه قیمت اسمی را افزایش دهیم تا دوباره تورم در طول زمان ما را دچار همان مشکل قبلی کند. وی درباره روش هزینه‌کرد عایدی از افزایش قیمت بنزین گفت: هدفی که سال ۸۹ دنبال می‌شد، هدفمندی یارانه‌ها بود. برای این کار از یارانه‌هایی

که نامتوازن توزیع می‌شد شروع کردیم. منتها روش فعلی هنوز با هدفمندی فاصله دارد. ما هر چه به سمت هدفمندی برویم بهتر است. یعنی اتفاقی که می‌افتد این است که ما هر چقدر بتوانیم گروه‌هایی را که نباید از یارانه بهره‌مند شوند، حذف کنیم. نکته‌ای که اینجا باید به آن توجه شود این است که خط‌کشی بین این دو گروه ساده نیست، مثلاً این بیان که ۳ دهک بالا نیازمند نیستند ولی دهک‌های یک تا ۷ نیازمندند دقیق نیست و حتی در صورت دقت، به عمل قابل اجرا نیست. فاطمی تصریح کرد: اگر دولت یارانه را فقط به ۷ دهک پایین بپردازد، به طور حتم تعداد زیادی بین دهک ۸ و جای‌شان عوض می‌شود، چون این گروه‌ها درآمدهای‌شان به همدیگر نزدیک است. به همین خاطر اگر هدف، هدفمندی است ما باید یارانه را طوری تقسیم کنیم که ۲ اتفاق رخ دهد؛ با کالای عمومی تولید کنیم که آن کالای عمومی چیزی است که همه استفاده می‌کنند یا اینکه صرفاً به گروه‌های هدف کمک کنیم. حال ممکن است در دوره‌ای بگوییم ما علاقه‌مندیم این کمک را همه‌شمول انجام بدهیم ولی این دوره باید گذرا باشد و به سرعت به سمت هدفمند کردن یارانه‌ها برویم. متأسفانه از سال ۸۹ که طرح اجرا شد، عزمی در این جهت نبود و قدم‌ها خیلی کوتاه برداشته شد. فاطمی تأکید کرد: صحبت کردن با عموم جامعه در این‌باره با زبان دهک‌ها گمراه‌کننده است. شما نمی‌توانید با عموم جامعه به زبان دهک حرف بزنید. باید با عموم جامعه به زبان نیازهای آنها حرف بزنید. یعنی به کسانی که آنقدر فقیر هستند که در تهیه اقلام روزمره غذایی‌شان دچار مشکل هستند، به این شکل کمک می‌شود. برای این کار در بلندمدت نیازمند سیستم شناسایی هستیم تا بتوان افراد نیازمند را شناسایی کرد و کمک‌های رفاهی را مستقیم به آنها منتقل کرد.

